

کتاب سید ۲۲۸۵۷۱۸

آشنایی با قرآن کریم

و سوره‌های آن

www.ketab.ir

تالیف :

سید علی احمدی امیری

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

بخش اول: آشنایی با قرآن کریم

۹.....	پیشگفتار.....
۱۰.....	نزول قرآن و چگونگی آن.....
۱۲.....	ترتیب نزول و نظم آیات.....
۱۳.....	جمع آوری قرآن و ترتیب سوره ها.....
۱۵.....	قرائت های مختلف قرآن.....
۱۶.....	قراءات سبع و تواتر آنها.....
۱۷.....	نسخ در قرآن کریم.....
۲۰.....	اعجاز قرآن کریم.....
۲۱.....	فرق بین معجزه و کرامات اولیای الهی.....
۲۳.....	مراحل تحدی قرآن کریم.....
۲۵.....	وجوه اعجاز قرآن کریم.....
۳۰.....	حجیت ظواهر قرآن.....
۳۱.....	تحریف ناپذیری قرآن کریم.....
۳۳.....	زبان قرآن.....
۳۵.....	تأویل در آیات قرآن.....
۳۷.....	تفاسیر قرآن.....
۳۹.....	سوره ها و آیات مکی و مدنی قرآن.....
۴۴.....	دانستیهای از قرآن کریم.....

بخش دوم: ویژگیها و خواص هر سوره

۴۹.....	۱. فاتحه.....
۵۲.....	۲. بقره.....

۵۶	۳. آل عمران
۵۸	۴. نساء
۶۰	۵. مائده
۶۲	۶. انعام
۶۴	۷. اعراف
۶۵	۸. انفال
۶۸	۹. توبه
۷۰	۱۰. یونس
۷۲	۱۱. هود
۷۳	۱۲. یوسف
۷۵	۱۳. زمر
۷۶	۱۴. ابراهیم
۷۷	۱۵. حجر
۷۹	۱۶. نحل
۸۰	۱۷. اسراء
۸۲	۱۸. كهف
۸۴	۱۹. مریم
۸۵	۲۰. طه
۸۷	۲۱. انبياء
۸۸	۲۲. حج
۹۰	۲۳. مومنون
۹۱	۲۴. نور
۹۲	۲۵. فرقان
۹۳	۲۶. شعراء
۹۵	۲۷. نمل
۹۷	۲۸. قصص
۹۸	۲۹. عنكبوت

۱۰۰.....	۳۰. روم.....
۱۰۱.....	۳۱. لقمان.....
۱۰۲.....	۳۲. سجده.....
۱۰۳.....	۳۳. احزاب.....
۱۰۴.....	۳۴. سبأ.....
۱۰۵.....	۳۵. فاطر.....
۱۰۶.....	۳۶. یس.....
۱۰۸.....	۳۷. صافات.....
۱۰۹.....	۳۸. ص.....
۱۱۱.....	۳۹. زمر.....
۱۱۲.....	۴۰. غافر.....
۱۱۴.....	۴۱. فصلت.....
۱۱۵.....	۴۲. شوری.....
۱۱۷.....	۴۳. زخرف.....
۱۱۸.....	۴۴. دخان.....
۱۲۰.....	۴۵. جاثیه.....
۱۲۱.....	۴۶. احقاف.....
۱۲۲.....	۴۷. محمد.....
۱۲۳.....	۴۸. فتح.....
۱۲۵.....	۴۹. حجرات.....
۱۲۶.....	۵۰. ق.....
۱۲۷.....	۵۱. ذاریات.....
۱۲۹.....	۵۲. طور.....
۱۳۰.....	۵۳. نجم.....
۱۳۲.....	۵۴. قمر.....
۱۳۳.....	۵۵. رحمن.....
۱۳۵.....	۵۶. واقعه.....

۱۳۷.....	۵۷. حدید.....
۱۳۸.....	۵۸. مجادله.....
۱۴۰.....	۵۹. حشر.....
۱۴۱.....	۶۰. متحنه.....
۱۴۲.....	۶۱. صف.....
۱۴۴.....	۶۲. جمعه.....
۱۴۶.....	۶۳. منافقون.....
۱۴۶.....	۶۴. تغابن.....
۱۴۸.....	۶۵. طلاق.....
۱۴۹.....	۶۶. تحریم.....
۱۵۱.....	۶۷. ملک.....
۱۵۲.....	۶۸. قلم.....
۱۵۳.....	۶۹. الحاقه.....
۱۵۴.....	۷۰. معارج.....
۱۵۶.....	۷۱. نوح.....
۱۵۷.....	۷۲. جن.....
۱۵۹.....	۷۳. مزمل.....
۱۶۲.....	۷۴. مدثر.....
۱۵۸.....	۷۵. قیامه.....
۱۶۴.....	۷۶. انسان.....
۱۶۵.....	۷۷. مرسلات.....
۱۶۶.....	۷۸. نیا.....
۱۶۷.....	۷۹. نازعات.....
۱۶۹.....	۸۰. عبس.....
۱۷۰.....	۸۱. تکویر.....

۱۷۱.....	۸۲. انفطار.....
۱۷۲.....	۸۳. مطففین.....
۱۷۳.....	۸۴. انشقاق.....
۱۷۴.....	۸۵. بروج.....
۱۷۵.....	۸۶. طارق.....
۱۷۷.....	۸۷. اعلی.....
۱۷۸.....	۸۸. غاشیه.....
۱۷۹.....	۸۹. فجر.....
۱۸۰.....	۹۰. بلد.....
۱۸۱.....	۹۱. شمس.....
۱۸۳.....	۹۲. لیل.....
۱۸۴.....	۹۳. ضحی.....
۱۸۵.....	۹۴. الشرح.....
۱۸۶.....	۹۵. تین.....
۱۸۷.....	۹۶. علق.....
۱۸۸.....	۹۷. قدر.....
۱۸۹.....	۹۸. بینه.....
۱۹۰.....	۹۹. زلزله.....
۱۹۱.....	۱۰۰. عادیات.....
۱۹۳.....	۱۰۱. قارعه.....
۱۹۴.....	۱۰۲. تکوین.....
۱۹۵.....	۱۰۳. عصر.....
۱۹۶.....	۱۰۴. همزه.....
۱۹۷.....	۱۰۵. فیل.....
۱۹۹.....	۱۰۶. قریش.....
۲۰۰.....	۱۰۷. ماعون.....
۲۰۱.....	۱۰۸. کوثر.....

پیشگفتار:

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله و جعلها حبلا ممدودا بين السماء و الارض و الصلاة و السلام على خير الانبياء و المرسلين مبلغ آيات الله و الهادي الى صراطه المستقيم؛ محمد ﷺ و على آله الطيبين و الطاهرين ﺍﻟﻤﺘﺎﺑﻌﻴﻦ

قرآن کریم کتاب هدایت برای همه انسان ها است و هر کس به آن تمسک کند و آن را چراغ هدایت خود قرار دهد، او را به مقصد نهایی می رساند؛ زیرا قرآن کریم کتاب انسان سازی است و از آنجا که انسان موجودی است که دارای ابعاد مختلف وجودی است؛ مانند بعد مادی، معنوی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مانند این امور، قرآن نیز باید مشتمل بر همه این امور باشد تا سعادت انسان را تأمین کند و این یکی از ادله جامعیت قرآن است.

از این جهت شناخت قرآن مقدمه رسیدن به سعادت است و این شناخت برای افراد مختلف متفاوت است؛ زیرا قرآن کریم دارای لایه های بطونی مختلفی است و استفاده از این لایه ها برای خواص و اولیای الهی ممکن است، اما ظاهر قرآن و آشنایی با احکام، اخلاق و آداب ذکر شده در قرآن برای همگان میسر است؛ زیرا قرآن به زبان عرفی و آسان نازل شده است و هر کس به قدر استعداد خود از آن بهره می برد. در این کتاب سعی شده است وجوه ظاهری قرآن، وجه نزول و مضامین سوره ها و خواصی که در روایات برای قرائت سوره ها ذکر شده است، بیان شود تا مخاطب اطلاعات اجمالی از قرآن داشته باشد. امید است این اثر قدم کوچکی در ترویج تعالیم قرآن و خروج آن از مهجوریت باشد، چرا که در قیامت قرآن از مهجوریت خود نزد مردم در روز قیامت شکایت می کند.

شایسته است در اینجا از برخی بندگان صالح خداوند که بانی امر خیر بوده اند و در چاپ این اثر قرآنی بانی شده اند و تمایلی به ذکر نامشان نداشتند، کمال تشکر را بنمایم امیدوارم این نوشتار که در راستای ترویج قرآن و آشنایی با آن است ذخیره ای برای آخرت

ایشان و پدران و مادران شان باشد و خداوند قرآن را شفیع ما در روز قیامت قرار دهد.
والله ولی التوفیق سید علی احمدی امیری

نزول قرآن و چگونگی آن

قرآن کریم به دو گونه بر قلب رسول خدا ﷺ نازل شده است: ۱. نزول دفعی، یعنی قرآن یکباره تماماً بر قلب رسول خدا ﷺ نازل گردیده است. ۲. نزول تدریجی، یعنی قرآن به طور پراکنده و تدریجی در مدت حدود بیست یا بیست و سه سال بر رسول خدا ﷺ نازل گردید و این کتاب آسمانی به گونه ای مدون و مرتب که در دسترس ما است یکباره بر پیامبر ﷺ نازل نشده است. مرحوم طبرسی از ابن عباس نقل می کند: خداوند قرآن را یکبار در شب قدر از لوح محفوظ به آسمان دنیا نازل کرد و سپس جبرائیل آن را قسمت به قسمت به صورت پنج یا ده آیه و یا کمتر و بیشتر و حتی به صورت یک آیه در مدتی حدود بیست و سه سال از جانب خداوند بر پیامبر ﷺ نازل گردانید.^۱

قرآن کریم از نزول دفعی قرآن به انزال و از نزول تدریجی به تنزیل تعبیر می کند که یکباره در شب قدر نازل شد.^۲ شیخ صدوق می گوید: قرآن در ماه رمضان در شب قدر یکباره در بیت المعمور در آسمان چهارم نازل شد، سپس از بیت المعمور در مدت بیست سال نازل شد و خداوند علم آن را به پیامبر ﷺ داد و فرمود: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛ قبل از آن که به تو وحی شود (در تلاوت آن) عجله نکن.^۳ اما کیفیت نزول قرآن، از مسائل مهم در علوم قرآن به شمار می رود. قرآن کریم توسط

۱- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۸

۲- التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸۷

۳- الاعتقادات، ص ۱۰۱

وحی بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد. در بعضی آیات وحی به انبیا به سه گونه تصویر شده است.
«ماکان لبشر ان یکلمه الله الا وحیا او من وراء حجاب او یرسل رسولا»^۱

اول: القای معنا در قلب پیامبر به طور مستقیم، دوم: سخن گفتن با پیامبر از وراء حجاب؛ چنان که خدای تعالی با حضرت موسی علیه السلام از طریق درخت سخن گفت، سوم: از طریق فرستادن فرشته مامور وحی؛ مانند جبرئیل. در این فرض، فرشته با شکل اصلی خود یا شکل انسانی بر پیامبر علیه السلام متمثل می شود؛ چنان که جبرئیل بر حضرت مریم متمثل شد. از ویژگیهای این دریافت، این است که وحی به صورت صحیح و واقعی به قلب نبی می رسد و هیچگونه دخل و تصرفی از ناحیه مامور وحی و نه از ناحیه دریافت کننده آن صورت نمی گیرد و این یکی از موارد خصمت انبیای الهی است که در دریافت وحی معصوم هستند.

قرآن کریم در مورد ابلاغ رسولان می فرماید: «لعلکم ان قد ابلغوا رسالات ربهم و احاط بما لدیهم و احصى کل شیء عددا»^۲ به این معنا که خداوند بر جریان وحی و ابلاغ آن احاطه دارد و آن را مراقبت می کنند تا محتوای وحی را از هرگونه خطا و اشتباه به دست مردم برسد. همچنین در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» (نجم، ۳-۴) و «ما کذب الفؤاد ما رأى» (نجم، ۱۱) خداوند در آیه سخن پیامبر را عین وحی شمرده و آنچه که بر قلب پیامبر وارد می شود و او مشاهده می کند، عین واقع معرفی می کند و آن را تصدیق می کند.

اندیشمندان اسلامی در اینکه دریافت وحی چگونه بوده است، آرای مختلفی ارائه کرده اند. برای مثال برخی معتقدند نزول قرآن به صورت معانی و حقایق بر قلب پیامبر است و برخی نیز معتقدند پیامبر با روح خود تعالی پیدا می کند و به حقیقت قرآن می رسد. ملاصدرا

بر این عقیده است که روح پیامبر در اثر شدت پاکی و پیراستگی از علائق مادی و دنیوی به عالم ملکوت صعود می کند و معارف الهی را از سوی خداوند دریافت می کند و پس از صعود پیامبر و دریافت وحی، پیام الهی را در غالب الفاظ و عبارات از ناحیه خداوند بیان می کند.^۱

امام خمینی (ره) بر این عقیده است که وحی دارای مراتبی است. در یک مرتبه مشاهده و کشف الهی در مرتبه حضرت علمیه حق تعالی صورت می گیرد که نبی اکرم صلی الله علیه و آله با اتصال به آن حضرت، حقایق را شهود می کند. در مرتبه یعد کشف حقایق در لوح و قلم در عالم غیب است که به مقدار احاطه علمی و نشئه کمالی خود به حقایق و شرایع آنها اطلاع پیدا می کند و گاهی ممکن است، این حقایق از طریق غیب نفس و سر روح شریف پیامبر به توسط فرشته وحی در قلب پیامبر تنزل کند و همچنین ممکن است جبرئیل با صورت مثالی یا ملکی، نزد آن حضرت حاضر شود و از عالم غیب حقایق آن خبر دهد.^۲

ترتیب نزول و نظم آیات

جمع آوری قرآن به شکل کنونی و نیز نظم آیات و ترتیب سوره ها، اعراب گذاری، نقطه گذاری و تفصیل آن به جزءها و بخش ها، در یک زمان نبوده و در دوره نزول وحی کامل نگردیده است، بلکه دوره ها و حالاتی بر آن گذشته است که از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز و به یکسان سازی مصاحف در زمان عثمان پایان یافته است، سپس در دوره خلیل بن احمد، نحوی، شکل آن به صورت موجود کامل گردید. اما تردیدی نیست که عامل در نظم واژه های قرآن و ساختار آن به صورت جمله ها و ترکیبات کلامی و بدیع، صرفا اعجاز وحی آسمانی است و هرگز دست بشری در آن دخالتی نداشته است. چنان که در این نظم واژگانی هیچ گونه تغییر یا تحریفی در گذر زمان پدید نیامده است. اما چینش آیات در هر سوره به ترتیب

کنونی — در غالب سوره‌ها — بر اساس ترتیب نزول آنها بوده است: هر سوره با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌شد، و آیاتی که پس از آن به طور تدریجی و یکی پس از دیگری نازل می‌گشت، در همان سوره ثبت می‌گردید تا آن که بسم الله دیگری نازل می‌شد و در این هنگام، مشخص می‌گردید که سوره پیشین به پایان رسیده و سوره دیگری آغاز شده است. امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: «پایان سوره با نزول بسم الله الرحمن الرحيم در آغاز [سوره] دیگر شناخته می‌شد.» کاتبان وحی می‌دانستند که باید آیات را در همان سوره ای که بسم الله آن نازل شده است بر اساس ترتیب نزول و یکی پس از دیگری ثبت کنند، بی آن که تصریح خاصی نسبت به تک تک آیات نیاز باشد.

بدین ترتیب آیات سوره‌ها بر اساس ترتیب نزول آن‌ها در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مرتب گردید که به این ترتیب، ترتیب «طبیعی» گویند که عامل اساسی در ترتیب بین آیات در بیشتر موارد بوده است و تنها موارد اندکی برخلاف این ترتیب ثبت می‌گردید؛ مثلاً گاهی خود رسول الله صلی الله علیه و آله فرمان می‌دادند که آیه ای را در جایگاهی خاص از سوره ای که پیشتر پایان یافته بود، قرار دهند و این به خاطر مناسبت نزدیک آن آیه با آیاتی بود که پیشتر نازل شده بود.

جمع آوری قرآن و ترتیب سوره‌ها

جمع سوره‌ها و ترتیب آن‌ها به صورت فعلی پدیده ای بود که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله روی داد و نخستین کسی که به این کار اقدام کرد، حضرت علی علیه السلام بوده است. این قرآن از ویژگی‌های ممتازی نسبت به سایر قرآن‌های جمع آوری شده در آن زمان داشت، ولی همانطور که در تاریخ آمده، این قرآن با بی‌مهری اصحاب مواجه شد و همین، سبب مهجور ماندن آن گشت. جمع آوری ایشان بر اساس ترتیب نزول بود، به طوری که مکی مقدم بر مدنی و منسوخ مقدم بر ناسخ بود و به جایگاه‌ها و مناسبت‌های نزول آنها اشاره

شده بود، ولی بقیه صحابه، قرآن را طور دیگری جمع آوری کردند. چون سعی صحابه بیشتر در جمع آوری قرآن و نه ترتیب آن بوده است. به همین علت است که سوره‌های قرآن که هم اکنون در دست ماست، مطابق ترتیب نزول سوره‌ها نیست؛ یعنی بسیاری از سوره‌هایی که در مکه نازل شده در آخر قرآن قرار دارد و بسیاری از سوره‌هایی که در مدینه نازل شده، در اوایل قرآن قرار گرفت است. البته مدارکی در دست است که جمع آوری سوره‌های قرآن به شکل کنونی در زمان خود پیغمبر صلی الله علیه و آله واقع شده است. بنابر این به هنگام جمع آوری قرآن شخص پیامبر (ص) به دلائل مختلفی، از جمله اهمیت مطالب و ترتیب طبیعی آنها، دستور داده است که سوره‌ها را بر طبق وضعی که الان می‌بینیم ترتیب دهند، که نخستین آنها سوره «حمد» و آخرین آنها سوره «الناس» است بدون اینکه کلمه و یا حتی حرفی از آیات و یا سوره‌ها کم و یا زیاد شود.

پیشتر گذشت که دوره پس از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله دوره جمع آوری قرآن بود. صحابه بزرگ به گردآوری سوره‌های قرآن و جمع آیات آن همت گماردند و هریک آن را در مصحف ویژه خود ثبت کردند و کسانی هم که شایستگی جمع آوری آن را نداشتند، به دیگران پناه بردند تا برای آنان مصحف‌هایی استنساخ کنند و اینچنین بود که نسخه‌های مصاحف با گسترش قلمرو اسلام رو به فزونی نهاد.

از آنجایی که افراد گرد آورنده مصحف‌ها، متعدد و دور از هم و از نظر استعداد و شایستگی و توان مختلف بودند نسخه‌های جمع آوری شده دارای اختلافاتی بود که همین اختلافات باعث اختلاف مسلمانان می‌شد که نمونه‌هایی از این اختلافات در تاریخ مذکور است.

در زمان ابوبکر، زید بن ثابت به دستور او به جمع آوری قرآن مشغول شد. همچنین ابن مسعود، مقداد بن اسود، ابی بن کعب و ابو موسی اشعری نیز به جمع آوری قرآن مشغول بودند. اهل کوفه قرائت عبد الله ابن مسعود، اهل بصره قرائت ابو موسی اشعری و اهل شام قرائت ابی بن کعب را تلاوت می‌کردند.